

نگاه
اندیشگه

حلقه پیوند ایران و ترکیه

جنگ در غزه تا چه اندازه می تواند مواضع ایران و ترکیه را به هم نزدیک کند؟

ترجمه: آریا صدیقی

منبع: انستیتو خاورمیانه

Middle
East
Institute

حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر نظم منطقه‌ای شکننده در خاورمیانه را متزلزل کرده است. ایالات متحده با توجه به نگرانی از اینکه درگیری در غزه به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل شود، دو گروه ناو هوایی را به شرق مدیترانه اعزام کرده است. در بحبوحه افزایش حملات شبه‌نظامیان وابسته به ایران در سراسر منطقه، ۹۰۰ نیروی آمریکایی دیگر در منطقه عملیاتی فرماندهی مرکزی ایالات متحده مستقر شده‌اند تا نیروهای دفاعی را تقویت کنند. تعهد ظاهر تجدید شده

رابطه ایران و ترکیه با حماس

آنکارا و تهران هر دو با حماس رابطه دارند، البته ماهیت رابطه هر کدام با حماس متفاوت است. ترکیه برخلاف متحدان غربی خود، حماس را سازمان تروریستی نمی‌داند. در سال ۲۰۱۸، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، حماس را به عنوان بخشی از مقاومت فلسطین در دفاع از «سرزمین فلسطین در برابر یک قدرت اشغالگر» توصیف کرد. در «تظاهرات بزرگ فلسطین» حزب عدالت و توسعه که در ۲۸ اکتبر برگزار شد، اردوغان درست یک روز قبل از صدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه، این توصیف را تکرار کرد. آنکارا حمایت از حماس را بخشی از سیاست خود در دفاع از آرمان فلسطین می‌داند. این سیاست بر برنامه‌های رهبری حزب عدالت و توسعه برای ارتقای دموکراسی، میان‌جیگری صلح و رهبری امت اسلامی است. به همین منظور، آنکارا پناهنگاه امنی برای اعضای حماس (در کنار سایر گروه‌های وابسته به اخوان المسلمین پس از قیام‌های عربی) فراهم کرده و ساخت‌وسازها را از سازمان‌های آنها که در ترکیه فعالیت می‌کنند، حمایت می‌کند. با این حال، از سال ۲۰۲۰، دولت ترکیه محتاطانه‌تر عمل کرده است و از اسلام‌گرایان عرب، از جمله حماس، فاصله گرفته است تا به ترمیم روابط خود با کشورهای عربی، از جمله مصر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و همچنین اسرائیل بپردازد. با این حال، چرخه اخیر جنگ در غزه محدودیت‌های تلاش‌های ترکیه در نزدیک شدن به کشورهای عربی، به‌ویژه اسرائیل را آشکار کرده است. در عین حال، روابط ترکیه با حماس نیز ارزش چندانی ندارد، زیرا تلاش‌های ترکیه برای میانجی‌گری

آمریکا به خاورمیانه موجب نگرانی ترکیه و ایران شده است. رهبری حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده از اسرائیل را مانعی بر سر راه تلاش‌هایش برای کاهش تنش می‌داند. مقامات ایران نیز ایالات متحده را «همدست مسلم» اسرائیل در اقل‌عام غیرنظامیان غزه» خوانده‌اند. آنکارا و تهران فراتر از انتقاد لفاظی خود، از عدم تمایل آمریکا در اعمال فشار به اسرائیل برای آتش‌بس، شکوه دارند و نگران هستند که حضور قوی‌تر ایالات متحده در خاورمیانه برای منافع منطقه‌ای آنها مضر باشد. جنگ غزه، بسته به طول عمرش، ممکن است به نزدیک شدن مواضع ترکیه و ایران، با توجه به مخالفت مشترک آنها با نظم منطقه‌ای و جهانی به رهبری ایالات متحده کمک کند. با این حال محدودیت‌های جدی برای اتحاد پایدار بین این دو کشور وجود دارد.



عکس: ایران

نگاه
تحلیلی

جنوب علیه شمال در یمن

رقیبی که می خواهد از تنش در دریای سرخ بهره‌برداری کند

نیل پاتریک

نویسنده

و تحلیلگر مسائل خاورمیانه



بعد از اینکه حوثی‌های یمن حملاتی را علیه کشتی‌هایی با پرچم اسرائیل و کشورهای ثالث در دریای سرخ انجام دادند، گزارش شده است که دولت بایدن قصد دارد در کنار ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی دریاوردی برای تضمین امنیت آمد و شد در این آبراه، به شمال یمن حمله کند. در نتیجه حملات حوثی‌ها بسیاری از کشتی‌های تجاری مجبور به تغییر مسیر شده‌اند که اثرات تفرمی ناگزیری بر کالاهای تجاری خواهد گذاشت. واشنگتن در حال بررسی این موضوع است که آیا حمله‌نظامی به یمن باعث مهار حوثی‌ها خواهد شد یا اینکه آنها را به حملات بیشتر تحریک می‌کند. نگرانی اصلی واشنگتن این است که تلاش‌های دلخواه این کشور برای پایان دادن به منازعه عربستان سعودی با حوثی‌ها بعد از یک سال و نیم سکون در این جبهه، با مشکل مواجه شود.

مداخله نظامی حوثی‌ها در دریای سرخ، دو انگیزه دارد که هدف آن از یک سو نشان دادن خشم ایدئولوژیک از کارزار نظامی اسرائیل در غزه است و از سوی دیگر به دست آوردن اهرمی برای تأمین منابع مالی پرداخت دستمزدهای کارکنان دولتی در منطقه تحت کنترل آنهاست که برای مدت‌ها عقب افتاده است. درآمدهای نفتی یمن، هر چند بر اثر حملات موشکی حوثی‌ها به تأسیسات نفتی و مرتبط با آن در جنوب یمن آسیب دیده است، اما در کنترل دولت به رسمیت شناخته شده بین‌المللی در عدن است. برای اینکه دولت عدن مشهور به «دولت مشروعیت» به نیروهای حوثی برای پرداخت دستمزدهای کارکنان دولتی که شامل نیروهای نظامی هم می‌شوند، پول پرداخت کند، لازم است که ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به عدن فشار وارد کنند. اما این موضوع فعلاً

تحت فرمان خود ندارد. در واقع این موضوع که یک یگان نظامی قابل قبول تحت فرماندهی عبدالرسول زیدی قرار داشته‌باشد، چندان روشن نیست. یمن جنوبی عملاً جایی در دنیای موازی است. زیدی به عنوان معاون شورای ۸ عضوی ریاستی یمن تحت حمایت عربستان سعودی که عملاً به عنوان حکومت جمهوری یمن در عدن حاکم است و شورای انتقالی یمن تحت حاکمیت او، بسیار علاقه‌مندند به رسمیت شناخته شوند. شورای ریاستی یمن شامل معاون زیدی در شورای انتقالی جنوب و ژنرال فرج باشانی، فرماندار پیشین استان وسیع جنوبی حضرموت هم هست. باشانی هم یک نظامی دیگر است که در شورای ریاستی یمن مسئولیت سیاسی دارد. او پیش از این فرمانده لشکر دوم ارتش یمن بود. نه زیدی و نه باشانی نمی‌توانند مدعی رهبری نظامی باشند که از ادعای شورای انتقالی یمن، مبنی بر ایجاد یک جنبش فرآگیر برای استقلال جنوب یمن، پشتیبانی کنند. همه این افراد، مانند دیگر رهبران «دولت مشروعیت» بر اساس شناسایی بین‌المللی است که جایگاه خود را پیدا می‌کنند، یک دولت یمنی که نه کاملاً یک حکومت است و نه یک حکومت در حال تشکیل. هر چند شورای ریاستی همچنان از وفاداری برخی از بازماندگان ارتش جمهوری یمن در جنوب یمن و برخی مناطق شمالی برخوردار است اما ظرفیت نظامی آن کاملاً ناهماهنگ است و تحت تأثیر عناصر قبیله‌ای و عشیره‌ای قرار دارد. در عین حال «دولت مشروعیت» هم از حمایت سیاسی گسترده‌ای در یمن برخوردار نیست. در عوض شورای انتقالی جنوب، چه در عدن و چه در استان‌های جنوبی این، لاج، ضالع و مناطق ساحلی حضرموت از حمایت سیاسی بالایی برخوردار است. در منطقه وادی حضرموت، سادات محلی و رهبران عشیره‌ای در مورد حمایت‌های سیاسی محتاط‌تر برخورد می‌کنند. مشکلی که شورای انتقالی جنوب با آن مواجه است، این است که استان عدن که تحت فرمانداری احمد لمس قرار دارد، زیر کنترل نیروهای مسلح است. پلیس آموزش دیده و تحت حمایت امارات متحده عربی در عدن که با نام حزام الامنی (کمربند ایمنی) شناخته می‌شود، عملاً با شورای انتقالی یمن همسو است، اما مستقیماً تحت کنترل ژنرال عبدالرسول، فرمانده کل قوای «نیروهای مسلح جنوب» نیست. عمالقه (تیپ‌های عظیم) یک نیروی نظامی دیگر است که توسط امارات متحده عربی تشکیل شده است و سال ۲۰۲۲ نقش مهمی در عقب‌راندن نیروهای حوثی از منطقه نفت‌خیز شبوه داشت. اما این نیروها هم ارتباط چندانی محکمی با شورای انتقالی جنوب ندارند. یک ارتش رقیب دیگر تشکیل شده توسط امارات با عنوان «نخبه» در عملیات شبوه حضور داشت، اما بعدها با «دفاع شبوه» که توسط عربستان سعودی حمایت می‌شد جایگزین شد.

در عدن، شورای انتقالی جنوب در حال تلاش برای ایجاد نهاد‌های موازی است.